



: 10.22034/icrs.2023.187375

الگوی مفهومی اخلاق جنگ در تمدن اسلامی (مطالعه موردی سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص))

محمدتقی آقائی مزرعه شاهی^۱

(۱۰-۴۳)

چکیده

جنگ از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که انسان‌ها، در مواجهه با آن از اخلاق و سرشت انسانی فاصله گرفته و ارزش‌های اخلاقی را نادیده می‌گیرند. نظریه‌های اخلاق جنگ با ارائه اصول و قواعد ناظر به مسائل مختلف جنگ، سعی در کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ دارند. از سوی دیگر، بخش مهمی از تعالیم دین اسلام را آموزه‌های اخلاقی تشکیل می‌دهد. در صدر اسلام نیز پیامبر خدا (ص) و مسلمانان با پدیده جنگ مواجه بودند؛ به گونه‌ای که آیات قرآن کریم و روایات بسیاری بر چگونگی آداب جنگ و شیوه نبرد با دشمنان وجود دارد. اما با این وجود ساختار و هندسه‌ی منسجم و معناداری از این آموزه‌ها ارائه نشده است. این نوشتار با کاربست روش تحلیل محتوای کیفی درصدد پاسخ به این سؤال است: «الگوی اخلاق جنگ در سیره‌ی سیاسی پیامبر خدا (ص) چیست؟» یافته‌های پژوهش حاکی از جریان داشتن اخلاق در ساحت‌های مختلف زندگی انسان از جمله جنگ است. ، الگوی برخاسته از سیره پیامبر خدا (ص) نگاهی هدایت‌محور، سعادت‌طلب و صیانت‌گرا به جنگ داشته و با ارائه اصول اخلاقی در پنج محور راهبرد جنگ، تاکتیک جنگ، شایستگی‌های رزمندگان، شیوه رفتار با اسیران و رفتار با اموال و محیط زیست، هدایت و سعادت انسان و صیانت از کرامت، جان، مال و محیط زیست او را تأمین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: جنگ، اخلاق جنگ، سیره سیاسی پیامبر اسلام.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)، قم، ایران.

مقدمه

جنگ یکی از واقعیاتی است که بشر از ابتدای زندگی اجتماعی خود با آن مواجه بوده و از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که انسان‌ها، در آن از اخلاق فاصله می‌گیرند. افزایش شدت آسیب‌ها و خشونت‌های حاصل از جنگ همزمان با پیشرفت تمدن بشری نشان‌دهنده‌ی این مسأله است. برخی از اندیشمندان برای کاهش و یا رفع اثرات سوء ناشی از جنگ، به نظریه‌پردازی در حوزه‌ی اخلاق جنگ همت گماشته‌اند. عبارت «اخلاق جنگ» در نگاه اول، عنوانی متناقض‌نما پنداشته می‌شود؛ چرا که جنگ مستلزم قتل، خونریزی، نقص عضو، تخریب و انهدام محیط زیست و زیرساخت‌های زندگی بشری و افزون بر آن هجمه‌ها و آسیب‌های روحی و روانی می‌باشد. اما از این منظر، پدیده‌ی نامبارکی چون جنگ را می‌بایست با اصول و ارزش‌های اخلاقی مقید نمود تا از افسارگسیختگی و گسترش آسیب‌ها و آثار مخرب آن جلوگیری نمود.

از بخش‌های مهم آموزه‌های دین اسلام، بخش اخلاق است. در طول تاریخ اسلام، پیامبر خدا (ص)، امامان (ع) و مسلمانان با پدیده جنگ مواجه بوده‌اند، به‌گونه‌ای که در دین اسلام، آیات و روایات بسیاری درباره‌ی آداب جنگ و اصول اخلاقی آن وجود دارد. همچنین در سیره‌ی پیامبر خدا (ص) و معصومین (ع) نشانه‌های بسیاری در رابطه با رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در مواجهه با دشمنان ذکر شده است. خداوند متعال نیز در قرآن کریم پیامبرگرامی اسلام (ص) را اسوه و الگو برای انسان‌ها معرفی می‌نماید. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱).

با وجود این پشتوانه‌های فکری و دانش بشری، پژوهش‌های انجام شده در این حوزه کمتر به ارائه ساختار و هندسه‌ی منسجم و معناداری از آموزه‌های دین اسلام در حوزه‌ی اخلاق جنگ به‌ویژه در سیره‌ی سیاسی پیامبرگرامی اسلام (ص) پرداخته‌اند و این سؤال مطرح می‌شود که الگوی اخلاق جنگ در سیره‌ی سیاسی پیامبر اسلام (ص) چیست؟ و در این حوزه مسلمانان چگونه می‌توانند پیامبر اسلام (ص) را الگوی خود قرار دهند؟

۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با مسأله‌ی جنگ در اندیشه اسلامی آثار متعددی منتشر شده است که آن‌ها را بررسی می‌نماییم: فروزنده (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه خود با عنوان «اخلاق در جنگ از منظر امیر مؤمنان (ع)» به دنبال آن است که با مطالعه دوران زندگی حضرت امیر مؤمنان (ع)، اصولی را که در جنگ به آن پایبند بوده‌اند را

شناسایی و تبیین نماید. این پژوهش اگرچه نوع نگاه رزمندگان به مسأله‌ی جنگ و شایستگی‌ها و ویژگی‌های ایشان و همچنین حقوق عناصر حاضر در میدان نبرد را از منظر حضرت علی (ع) بررسی می‌نماید، لیکن الگویی جامع از آموزه‌ها و اندیشه‌های ایشان ارائه نمی‌کند.

طاهری (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «فلسفه جهاد و دفاع در اسلام» به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که کدام آموزه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی بنیاد اندیشه‌های دفاعی اسلام را تشکیل می‌دهد و چگونه پویایی آن به تناسب شرایط و نیازهای متحول و دگرگون جوامع انسانی تأمین می‌شود؟ نویسنده به این منظور پس از بررسی ماهیت جنگ و صلح به نقد و بررسی نظریه‌های دفاعی در یونان باستان و سده‌های میانه پرداخته و جنگ را از دیدگاه اندیشمندانی چون ماکیاولی، هابز و نیچه، نقد و بررسی می‌نماید. در ادامه نیز هریک از مبانی چهارگانه‌ی دفاع را تبیین می‌نماید. در پایان، پژوهشگر شاکله‌ی اصلی نظریه دفاعی اسلام را براساس مبانی مطرح شده، و با الهام از قرآن کریم و دیدگاه اندیشمندان مسلمان، زیر عنوان نظریه تمامیت و کمال تبیین می‌نماید.

خدّوری (۱۳۹۱)، دانشمند مسیحی عراقی در کتاب خود به مباحث جنگ و صلح در اندیشه اسلامی پرداخته است. او تحت تأثیر کوئینس رایت که متأثر از اندیشه‌های آکوئیناس است قرار دارد. این کتاب در سه دفتر با عناوین مفاهیم اساسی قانون اسلام، قانون جنگ و قانون صلح و در ۲۳ فصل سازمان یافته است. گرچه مؤلف در تناظر نظریات فرق اسلامی جانب‌دارانه سخن نگفته است اما آموزه‌های دینی را روزآمد و پاسخ‌گو به نیازهای انسان معاصر نمی‌داند.

قائدان (۱۳۹۲)، در مقاله خود با عنوان «مقایسه و پیشینه قوانین حقوق جنگ معاصر در سیره و گفتار امام علی (ع)»، اصول انسانی و قواعد حقوقی لازم‌الرعايه در جنگ که در گفتار و سیره امیرالمؤمنین (ع) به کارگرفته شده است را استخراج نموده است. تمرکز نویسنده در این اثر بر حقوق بشردوستانه در جنگ و مقدم بودن مباحث آن در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی با نگاه به دوره حکومت حضرت علی (ع) می‌باشد. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده را می‌توان تمرکز بر حوزه‌ی اخلاق جنگ در اندیشه اسلامی در برابر حوزه فقه، حقوق و قواعد بین‌المللی و تلاش در جهت تدوین الگوی اخلاق جنگ در اسلام براساس سیره‌ی سیاسی پیامبر اسلام (ص) دانست.

۲. تعریف مفاهیم:

۱/۱. اخلاق

واژه اخلاق در لغت به معنای خوبی، سنجیه، عادت، صفت و حالت نفس هنگامی که استوار گردد و به-گونه‌ای باشد که افعال بدون فکر و تأمل از آن صادر شود، (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۹۲؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲: ۷۰) و در اصطلاح اندیشمندان اسلامی، ملکه‌ای برای نفس است که با داشتن آن، رفتار بدون فکر و اندیشه، با سهولت و آسانی از طرف کسی که دارای این هیئت نفسانی باشد، صادر می‌شود. (ابن-مسکویه، ۱۳۸۱: ۲۲۱؛ نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۴: ۴۸). در این معنا، اخلاق بر صفات پایدار نفسانی اطلاق می‌گردد که هرگاه در جان کسی وجود داشته باشد، عمل متناسب با آن، به سهولت و بدون نیاز به تأمل از او صادر می‌شود. از نظر برخی اندیشمندان غربی اخلاق عبارت است از: تحقق رفتار آدمی، آن-گونه که باید باشد. (ژکس، ۱۳۶۲: ۱۰)

در این پژوهش اخلاق به معنای ارزش‌های اکتسابی انسان است که با کمال و سعادت او مرتبط است. (پالمر، ۱۳۸۵: ۲۰) در این معنا، دغدغه‌ی اخلاق، خوبی و بدی و ارزشمندی رفتارها و صفات اختیاری انسان است (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶: ۳۶) و گزاره‌ی اخلاقی به گزاره‌ای گفته می‌شود که ارزش رفتارها، حالات و صفات اختیاری انسان را بیان می‌کند. هر گزاره‌ی اخلاقی از موضوع و محمولی تشکیل شده است. موضوع آن رفتارها و صفات اختیاری انسان و محمول آن نیز یکی از چهار زوج مفاهیم ارزش-گذاری: خوب/بد، درست/نادرست، باید/نباید و حق/وظیفه است. (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۲: ۳۵)

۲/۱. اخلاق جنگ:

اخلاق جنگ آن بخشی از اخلاق حرفه‌ای محسوب می‌شود که اصول اخلاقی مربوط به نبرد با دشمن و جنگ را بیان می‌کند. این حوزه از اخلاق، به قوانین مربوط به جنگ نمی‌پردازد بلکه آن دسته از اصول اخلاقی که انسان هنگام جنگ به عنوان یک فاعل اخلاقی ملزم به انجام آن هاست را بیان می‌دارد. (زمانی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۰) در واقع اخلاق جنگ شامل بایدها و نبایدهایی است که اگرچه انجام آن‌ها در جنگ ممکن و پذیرفته شده است، ولی به لحاظ اخلاقی انجام آن‌ها ممنوع و یا الزامی است.

۳/۱. الگو:

الگو در لغت به معنای مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، نمونه (دهخدا، ج ۴: ۳۴) و در اصطلاح، به معنای نمایانه‌ی نظری داده‌های تجربی باهدف پیشبرد و بهتر کردن فهم، از راه روشن کردن روابط و تعاملات بااهمیت است. (هیوود، ۱۳۸۹: ۶۰۹) الگو دارای سه ویژگی اصلی است: یک، جنبه‌ی مفهومی دارد و از مفاهیمی تشکیل یافته است که در گزاره‌ای نظری به کار رفته است. دو، جنبه‌ی تئوریک و نظری دارد و

برپایه‌ی مبانی نظری شکل می‌گیرد که مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در خود جای داده است. سه؛ روابط بین مفاهیم و متغیرها را مشخص و تفسیر می‌کند. (قوام، ۱۳۸۸: ۲۵)

۳. ادبیات نظری اخلاق جنگ:

جنگ از پدیده‌هایی است که انسان از ابتدای شکل‌گیری زندگی اجتماعی خود با آن مواجه بوده و همواره مورد توجه متفکرین هر عصری بوده است. اندیشمندانی چون افلاطون، هراکلیتوس، سنت آگوستین و توماس آکوئیناس در دوران باستان و سده‌های میانه به موضوع جنگ پرداخته‌اند. در دوران مدرن نیز اندیشمندانی چون ماکیاولی، هابز و نیچه در حوزه جنگ و صلح نظریه پردازی نموده‌اند. در حال حاضر اخلاق جنگ یکی از مباحث مهم در حوزه اخلاق سیاسی به شمار می‌رود. سؤال اساسی در این حوزه این است که آیا جنگ توجیه اخلاقی دارد؟ چگونه می‌توان از نگاه اخلاق، جنگ را جایز دانست؟ در دهه‌های اخیر، اندیشمندان نظریات مختلفی را در پاسخ به این سؤال ارائه داده‌اند. در سنت اندیشه غربی سه نظریه صلح‌گرایی^۱، واقع‌گرایی^۲ و جنگ عادلانه^۳ در رابطه با اخلاق جنگ مطرح است.

۱/۲. اخلاق جنگ در دیدگاه اندیشمندان غربی

۱/۱/۲. نظریه صلح‌گرایی:

صلح‌گرایی نظریه‌ای است که در آن شرکت در هرنوع جنگ و یا حمایت از آن از نظر اخلاقی مجاز نیست و هرنوع جنگ و نزاعی ممنوع است. از این منظر نه تنها جنگ بلکه همه‌ی اشکال خشونت، بی-هیچ قید و شرطی نادرست هستند. از این منظر هرگونه توسل به جنگ و حتی خلع سلاح کردن و بیرون راندن متجاوزان یا کشتن آنان ممنوع بوده و راه‌هایی چون اعتصاب، تظاهرات، نافرمانی مدنی و... باید به کار گرفته شود. (Attack, 2005: 125-141)

اندیشه صلح‌گرایی را می‌توان به دو نوع صلح‌گرایی مطلق یا حداکثری و صلح‌گرایی مشروط یا حداقلی تقسیم نمود. مطلق‌گرایان، اصول اخلاقی را همیشگی و تغییرناپذیر می‌دانند که هیچ استثنایی نمی‌پذیرند. صلح‌طلبی مطلق از منظر فضیلت‌گرایی، جنگ را ذاتاً شر دانسته و آن را نهی می‌نماید؛ از منظر وظیفه‌گرایی حکم می‌کند که انسان‌ها وظیفه‌ی مطلق برای پرهیز از تهاجم یا به‌راه انداختن جنگ علیه دیگران دارند و از منظر پیامدگرایی تأکید می‌نماید که جنگ، نه به دلیل شَر ذاتی، بلکه به دلیل این‌که همیشه منجر به وضع بدتری برای اکثریت مردم می‌شود، منشأ هیچ خیری نبوده و در نتیجه ممنوع است.

1 Pacifism.

2 Realism.

3 Just War.

صلح‌گرایی مشروط بر استفاده از جنگ در شرایط خاص تأکید می‌ورزد. صلح‌طلبی مشروط از منظر وظیفه‌گرایانه می‌پذیرد که ایفای وظایف را نمی‌توان به شکل معجزه و جدا از شرایط در نظر داشت، چراکه ممکن است این وظایف هم‌پوشانی داشته باشند و از این رو نیازمند پذیرش مشروط هستند. از این منظر، وظیفه‌ی حفظ صلح و عدم خشونت ممکن است با وظیفه‌ی نجات جان افراد یا دفاع از جان آن‌ها در برابر تهاجم و تجاوز در تضاد قرار بگیرد. بنابراین در مواردی که الزام آن‌ها را موارد «اضطرار فوق‌العاده» می‌نامد، وظیفه‌ی حفظ صلح را ممکن است الزامات اخلاقی بدیلی ساقط نماید. صلح‌گرایی مشروط از منظر پیامدگرایانه، جنگ را از این منظر اخلاقی می‌سنجد که شرایط و نتایج احتمالی آن، در بردارنده‌ی منافع بیشتری هست یا خیر؛ لذا در عین این که از نظر صلح‌طلبان جنگ‌ها عموماً در بردارنده‌ی منافع بزرگتری نیستند، اما مواردی از جنگ ممکن است که دارای منافع و نتایج بیشتری باشد، مانند جنگ‌های دفاعی یا جنگ‌های مداخله‌جویانه که برای محافظت از مردم در برابر نسل‌کشی انجام می‌شود.

۲/۱/۲. نظریه واقع‌گرایی:

رنالیسم یا واقع‌گرایی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح در روابط بین‌الملل است. این نظریه بر اجتناب ناپذیر بودن جنگ به عنوان یک واقعیت سیاسی در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل تأکید دارد. از این منظر هر دولتی می‌بایست بر اساس منافع خود از جنگ استفاده نماید و در صورت وقوع جنگ باید برای رسیدن به پیروزی، هرکاری را انجام دهد. از این منظر ارزش‌های اخلاقی نمی‌توانند به عنوان چارچوب رفتار دولت در عرصه سیاست بین‌الملل به کار گرفته شوند.

ریشه مباحث واقع‌گرایان را می‌توان در آرای توسیدید، ماکیاولی، هابز و... مشاهده نمود؛ با این تفاوت که آن‌ها درباره وضعیت داخلی دولت‌ها سخن گفته بودند، ولی واقع‌گرایان آن را در عرصه سیاست بین‌الملل به کار برده‌اند. مبنای مشترک اندیشمندان کلاسیک و واقع‌گرایان، بدبینی به سرشت انسانی است. از نظر ایشان، قدرت حرف اول را در عرصه سیاست بین‌الملل می‌زند، قدرت و نزاع بر سر آن، گاهی منجر به جنگ شده و گاهی در سایه موازنه قدرت به صلح می‌انجامد. (عموی و حسین خانی، ۱۳۹۰: ۱۶۲) به عقیده‌ی واقع‌گرایان، قدرت روابط متقابل بین دولت‌ها را تعیین می‌کند و نه حقوق. از این منظر، مصلحت سیاسی توجیه‌کننده همه چیز است و در سایه آن کاربرد خشونت، نیرنگ و فریب در عرصه سیاست داخلی و خارجی موجه دانسته می‌شود.

۲/۱/۳. نظریه جنگ عادلانه:

بدون شک نظریه جنگ عادلانه، تأثیرگذارترین و پرطرفدارترین نظریه در حوزه اخلاق جنگ است که ریشه در افکار اندیشمندان برجسته‌ای مانند سنت آگوستین، توماس آکوئیناس، گروتیوس، سوئارز، ویتوریا و مایکل والزر دارد. اگرچه عموماً آگوستین را پایه‌گذار این نظریه می‌دانند، اما ریشه‌های تاریخی این نظریه را می‌توان در متون عبری عهد قدیم، یونان باستان و روم مشاهده نمود. (لوبان، ۱۳۹۱: ۵۳۸).

در قرن بیستم با اختراع سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی، اندیشه‌ورزی در حوزه نظریه جنگ عادلانه قوت گرفت و اندیشمندان مختلف به بررسی جنگ‌های معاصر با اصول نظریه جنگ عادلانه پرداختند. این نظریه برخلاف دو نظریه پیشین، مجموعه‌ای از اصول را برای حفظ چارچوب اخلاقی قابل قبولی برای جنگ عرضه می‌دارد. از نظر والرز دو رأی و اندیشه اصلی، هسته‌ی شکل‌گیری اصول و ممنوعیت‌های مختلف این نظریه است: یک؛ هیچ ملت، دولت یا گروه سیاسی نباید وارد جنگ بشود مگر این‌که ورود به جنگ به لحاظ اخلاقی توجیه پذیر باشد. دوم؛ رهبری جنگ باید تحت هدایت اصول اخلاقی باشد. (walzaer, 2004: 21)

اندیشه اول، منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای از اصولی می‌شود که تحت عنوان «دلیل موجه برای جنگ»^۱ (JAB) قرار می‌گیرند. اندیشه دوم نیز مجموعه اصولی تحت عنوان «عدالت در جنگ»^۲ (JIB) را به وجود می‌آورد. به لحاظ منطقی این دو مجموعه اصول مستقل از یکدیگر هستند، چرا که یک جنگ می‌تواند به لحاظ JAB دارای توجیه اخلاقی باشد ولی شرایط و اصول JIB را رعایت ننماید. یعنی با وجود داشتن دلیل توجیه اخلاقی برای انجام جنگ، از شیوه‌ها و ابزارهای غیر اخلاقی استفاده نماید و یا برعکس، در یک جنگ ناعادلانه (طبق JAB) از شیوه‌های نبرد و مبارزه اخلاقی (JIB) استفاده نمایند. (walzer, 2000: 21)

به طور کلی آموزه‌های مطرح در نظریه جنگ عادلانه را می‌توان ذیل سه عنوان بررسی نمود: دلیل درست برای آغاز جنگ (JAB)، رفتار عادلانه در جنگ (JIB) و عدالت پس از جنگ^۳ (JPB).

دلیل درست برای جنگیدن (JAB)

^۱ Jus Ad Bellum

^۲ Jus In Bello

^۳ Just Post Bellum.

اصول و ضوابطی که توسل به جنگ را به لحاظ اخلاقی موجه می‌سازد. عبارتند از: اعلان جنگ توسط مرجع دارای صلاحیت، داشتن انگیزه و هدف عادلانه، جنگ به‌عنوان آخرین راه‌حل، داشتن امید به پیروزی و موفقیت، تناسب توسل به جنگ در برابر اقدامات دشمن، داشتن نیت درست و عادلانه؛

رفتار عادلانه در جنگ (JIB)

قواعد رفتار عادلانه در حین جنگ، ذیل سه اصل «فرق‌گذاری»، «تناسب» و «مسئولیت» سازماندهی می‌شود. «فرق‌گذاری» به تفکیک نظامیان و غیرنظامیان تأکید دارد و به این مسأله می‌پردازد که در جنگ، چه کسانی هدف حمله‌ی مشروع محسوب می‌شوند. این اصل، یکی از مهم‌ترین بخش‌های حقوق بشردوستانه در مخاصمات بین‌المللی است که طرفین درگیر جنگ ملزم به رعایت آن هستند. (ضیایی، ۱۳۸۹: ۴۵) حقوق بشردوستانه شامل بخشی از حقوق مخاصمات مسلحانه است که ضمن نظارت بر رفتار نیروهای متخاصم، اختیار طرفین درگیر در استفاده از شیوه‌ها و ابزار جنگی را محدود و از افراد انسانی حمایت می‌کند که از جنگ متأثر می‌شوند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱). اصل «تناسب»، به متناسب بودن میزان خشونت و استفاده از تسلیحات نظامی برای دست یافتن به اهداف جنگی اشاره دارد. اصل «مسئولیت» بر پیروی از قواعد ایام صلح برای کسانی که در حال جنگ هستند تأکید می‌کند تا به آن‌ها یادآوری کند که روزی به جایگاه مدنی‌شان، باز خواهند گشت. اخلاقی بودن اطاعت از فرامین و فرماندهان توسط سربازان نیز از این اصل حاصل می‌شود. (موزلی، ۱۳۹۸: ۷۰)

عدالت پس از جنگ (JPB)

با متوقف شدن جنگ، سه وضعیت مختلف امکان دارد: یا سپاه شکست می‌خورد یا پیروز می‌شود و یا آتش‌بس اعلام می‌شود. طبق این نظریه، اصول عدالت باید در هر سه وضعیت رعایت شود. اصل فرق‌گذاری باید به کار گرفته شود تا از تحمیل مجازات بر بی‌گناهان و غیرنظامیان پرهیز شود، حقوق و سنت‌های طرف شکست‌خورده شایسته و سزاوار احترام است؛ ادعاهای طرف پیروز باید متناسب با نوع جنگ باشد؛ مطالبه جبران خسارت نیز باید برطبق اصول فرق‌گذاری و تناسب تعدیل شود.

(موزلی، ۱۳۹۸: ۷۱)

جدول ۱: نظریه ها و آموزه های اصلی اخلاق جنگ در تفکر غرب	
نظریه	آموزه ها و قواعد اخلاق جنگ
صلح گرایی (مطلق)	پرهیز از هرگونه خشونت، منازعه و جنگ در تعاملات اجتماعی و برطرف نمودن تعارضات اجتماعی از طریق مذاکره اعتصاب، ناقرمانی مدنی و سایر روشهای مبارزه بدون خشونت
صلح گرایی (مشروط)	استفاده از جنگ و سایر روشهای مبتنی بر زور و اجبار در شرایط اضطراری مشروط بر انجام وظایفهای مهمتر یا منافع بزرگتر؛ مانند: دفاع از جان انسان ها
واقع گرایی	اجتناب ناپذیری جنگ در عرصه سیاسی؛ ناتوانی اخلاق و ارزشهای اخلاقی در حفظ صلح و نفی آن به عنوان یک چارچوب رفتاری برای دولتها؛ برقراری صلح از طریق موازنه قدرت و بازدارندگی
جنگ عادلانه	دلیل موجه و عادلانه برای آغاز جنگ مبتنی بر اصول شگانه: اعلان جنگ توسط مقام صالح و مشروع، انگیزه عادلانه، امید پیروزی، تنسب توسل به جنگ و نیت و هدف صحیح و عادلانه از جنگ
	رفتار عادلانه در جنگ مبتنی بر سه اصل: فرقه‌گذاری و تفکیک نظامیان و غیرنظامیان، تناسب میزان کاربرد خشونت با اهداف جنگ و اصل مسئولیت
	عدالت پس از جنگ مبتنی بر اصولی مانند: پرهیز از تحمیل مجازات بر غیرنظامیان، احترام به حقوق و ستنهای کشور شکست خورده، رفتار عادلانه در مطالبه و محاسبه میزان خسارات ناشی از جنگ

۲/۲. اخلاق جنگ در دیدگاه متفکران مسلمان

در آثار اندیشمندان مسلمان، عنوان مستقلی برای اخلاق جنگ وجود ندارد؛ اما رویکرد مسلمانان به آن را می‌توان در میان مباحث نسبت اخلاق و سیاست پیگیری نمود. تفکر فلسفی، فقهی و سیاست‌نامه نویسی سه حوزه اصلی آثار سیاسی اندیشمندان مسلمان است. فیلسوفان و حکمای مسلمان، با تقسیم بندی حکمت به نظری و عملی، حکمت عملی را شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن می‌دانند. از این منظر اخلاق، پنجره ورود انسان به ساحت خانواده و اجتماع است و تنها انسان اخلاقی می‌تواند به سعادت نائل آید. (نادری، ۱۳۹۶: ۱۱) این رویکرد، نگاهی اخلاقی به جنگ دارد. «و باید که آخر همه تدبیرها محاربت بود، که آخر الدواء الکی... و بعد از ظفر البته قتل نفرماید و عداوت و تعصب استعمال نکند» (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۹: ۳۱۳-۳۱۲).

در سیاست‌نامه‌ها، اخلاق تابع گفتمان قدرت و متأثر از آن است. (احمدی طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۷۸) به عنوان مثال، خواجه نظام الملک برای شرایط پیروزی بعد از جنگ توصیه می‌کند: «وهر آن‌گاه که لشگری یک بار و دوبار چیره گشت و بر مخالف، ظفر یافت بعد از آن صد سوار از این هزار سوار مخالف را بزنند... و همه لشگرهای اطراف از این پادشاه بترسند و طاعت دار شوند» (نظام الملک، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

حوزه تفکر فقهی و حقوقی در میان مسلمانان، دارای صبغه بیشتری است. در حوزه فقه، قواعد و مقررات فقهی و حقوقی جنگ تحت دو عنوان «السیر» و «الجهاد» ارائه شده است. در میان اهل سنت ابوحنیفه نخستین کسی است که اصطلاح «سیر» را به مجموعه‌ای از دروس خود درباره حقوق جنگ و صلح اسلامی اختصاص داده و این دروس توسط چند تن از شاگردان او گردآوری شده است. از این جمله می‌توان به کتاب «السیر الصغیر» و «السیر الکبیر» شیبانی و «السیر» ابراهیم فزاری اشاره نمود. فقه‌های شیعه نیز مباحث مربوط به جنگ و صلح را عمدتاً تحت عنوان کتاب الجهاد بررسی نموده‌اند.

۴. روش پژوهش

این پژوهش براساس روش تحلیل محتوای کیفی که روشی برای تفسیر واحدهای تحلیل از طریق فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند کدها و شناسایی مضامین و الگوهاست، انجام می‌پذیرد. تحلیل محتوا پژوهشگر را در انجام سه امر توانمند می‌سازد: یک، نظریه پردازی مبتنی بر فهم حاصل از داده‌های بررسی شده؛ دو، ارائه نتایج تحلیل و تفسیر داده در قالب الگو و چارچوب مفهومی؛ سه، ایجاد دانش، نگرش و حقایق جدید برای کاربردی‌سازی با تکیه بر یک رویکرد معتبر علمی. به همین دلیل، معمولاً محصول پایانی تحلیل محتوا به صورت مدل، نظام مفهومی، دسته‌بندی مفهومی و امثال آن ارائه می‌شود.

در میان فرایندهای مختلف تحلیل محتوای کیفی، دو رویکرد «نظام مقوله‌ای استقرایی» و «نظام مقوله‌ای قیاسی» از رویکردهای اصلی در طراحی و بسط نظام مقوله‌ای و یافتن اجزای متنی مناسب می‌باشد. با این حال می‌توان در این روش از هر دو رویکرد بهره جست. به این معنا، درگام اول، یعنی در ساخت و استخراج مقوله‌ها از رویکرد استقرایی استفاده کرده و پس از شکل‌گیری تعداد قابل توجهی از مقولات، از روش قیاسی برای تحلیل بقیه متن، در قالب یک جریان رفت و برگشت، استفاده نمود. فرایند اجرای روش تحلیل محتوای کیفی را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود:

تصویر (۱): فرایند اجرای روش تحلیل محتوای کیفی (منبع: طراحی شده توسط نویسنده)



۵. استخراج مفاهیم کلیدی و مقوله‌بندی آموزه‌های اخلاق جنگ در سیره پیامبر اکرم (ص)

با بررسی سیره پیامبرگرامی اسلام (ص) در نبردهای مختلف و یا اعزام سپاهیان که در قرآن کریم، روایات اهل بیت (ع) و منابع معتبر تاریخی ذکر شده است، مفاهیم کلیدی اخلاق جنگ در سیره ایشان به شرح زیر استخراج گردید. در این مرحله گزاره‌های مرتبط با سؤال پژوهش از منابع فوق استخراج شد که به منظور رعایت اختصار نمونه‌هایی از آن در جدول زیر می‌آید.

جدول شماره ۲: نمونه‌ای از مفاهیم کلیدی و کدگذاری آموزه‌های اخلاق جنگ در سیره پیامبر اعظم

(ص)

ردیف	گزاره های کلیدی	مفاهیم مستخرج
۱	قال رسول الله (ص): يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى	پرهیز از قتال و نبرد با

۱	الاسلام. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۶)	مشرکان و کافران قبل از دعوت ایشان به اسلام
۲	وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره: ۱۹۰)	مشروعیت جنگ دفاعی، ضرورت تفکیک نظامیان از غیر نظامیان، ضرورت رعایت حدود و ضوابط شرعی در جنگ
۳	فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (بقره: ۱۹۴)	رعایت تناسب در بکارگیری روش مقابله با دشمن
۴	پیامبر اسلام: «خداوند بر کسی که خانه‌اش مورد تجاوز واقع شده، اما مبارزه نمی‌کند، خشم می‌گیرد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۱۱۹)	مشروعیت جنگ برای دفاع در برابر تجاوز دشمن
۵	وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا (المائدة: ۲)	کینه توزی و دشمنی گروهی شما را وادار به تعدی و تجاوز نکند.
۶	وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انفال: ۶۱)	رفع منازعه و اختلاف از روش‌های مسالمت آمیز و پرهیز از جنگ پیش از انجام آن‌ها
۷	توجه پیامبر اسلام به عدم حضور کم سن و سالان در جنگ و نظارت ایشان بر این مسئله و خارج نمودن افراد کم سن و سال از سپاه اسلام (واقعی، ۱۴۰۹: ۱۶)	عدم بکارگیری و شرکت کودکان در جنگ و میدان نبرد
۸	رسول خدا در مسیر حرکت به طرف احد، در منزل شیخان از سپاهیان بازدید کردند و در این منزل بود که رسول خدا، پسران کمتر از ۱۵ سال یعنی: أسامه بن زید، عبدالله بن	عدم بکارگیری و شرکت کودکان در جنگ و میدان نبرد

	عمر، زید بن ثابت، براء بن عازب، عمرو بن حزم؛ أسید بن ظهیر، عرابه بن اوس، زید بن ارقم، نعمان بن بشیر، سعد بن حبتة را به مدینه بازگرداند و در «خندق» که پانزده ساله بودند آنها را اجازه شرکت در جنگ داد (ابن حزم، بی تا: ۱۵۹)	
پرهیز از دشنام‌گویی و بدزبانی نسبت به دشمنان	پیش از جنگ احد ابوقتاده شروع به دشنام دادن و ناسزا گفتن به قریش کرد، پیامبر سه مرتبه به او فرمودند: «بنشین و آرام بگیر». دفعه چهارم فرمودند: «در این مورد در پیشگاه خداوند از تو حساب خواهم خواست، آنگاه فرمود: ای ابوقتاده قریش اهل امانت‌اند، هرکس بی مورد به آنها دشنام دهد خداوند دهانش را به خاك مي‌مالد» (واقدي، ۱۴۰۹: ۱۱۸) «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸)	۹
به کارگیری روش‌هایی در جنگ که موجب کاهش تلفات انسانی شود.	امام صادق (ع): سیره پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) در تأخیر انداختن آغاز جنگ تا بعد از ظهر تا با فرارسیدن شب زودتر جنگ پایان پذیرد و افراد پشیمان یا شکست خورده بتوانند از معرکه بگریزند و افراد کمتر یکشته شوند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۸)	۱۰
ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی و غیر متعارف	از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که رسول خدا (ص) از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی نموده است: «نَهَى رسول الله أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۲)	۱۱
ممنوعیت به کارگیری سلاح-های کشتار جمعی و نابودکننده محیط زیست بشری	وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره: ۲۰۵)	۱۲

ممنوعیت غدر و پیمان- شکنی در جنگ	امام صادق(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل می نمایند که فرمودند: «با نام خدا و با استعانت از خدا و در راه خدا و بر راه و روش رسول خدا حرکت کنید. از حدود الهی تجاوز نکنید.... خیانت و پیمان شکنی نکنید.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج: ۱۵: ۵۸)	۱۳
پرهیز از مثله کردن و رفتارهای خشن و غیرانسانی	پیامبر اسلام(ص) هرگاه گروهی را به سریه ای می فرستاد، آن ها را از مثله کردن منع می فرمود (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۵: ۲۷)	۱۴
لزوم رعایت تقوا و ضوابط شرعی توسط رزمندگان اسلام	پیامبر خدا هرگاه فرماندهی را با لشگری گسیل می داشت، نخست او را به رعایت تقوای الهی سفارش می کرد. (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۴۱)	۱۵
داشتن اخلاص یکی از ویژگی های اصلی رزمندگان اسلام	رسول خدا(ص) هنگام اعزام سپاهیان به جنگ می فرمود: «با نام خدا خارج شوید و در راه خدا مقاتله کنید» (ابن حنبل، ۱۴۱۲، ج: ۱: ۳۰۰)	۱۶
دعا و استعانت از خداوند متعال توسط رزمندگان اسلام در میدان نبرد	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵) پیامبر(ص) هنگام مواجهه با دشمنان، سواره ها و پیاده های لشکر را آماده می نمود و به درگاه خداوند متعال دعا می فرمود: «خداوند، تو پناه و یاور و حافظ من از خطرهایی. خداوند، به یاری تو حمله می کنم و می جنگم» (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۵۴)	۱۷
ضرورت صبر و استقامت رزمندگان اسلام در مواجهه با دشمنان	«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (انفال: ۶۵) پیامبر خدا(ص) به لشگریان می فرمودند: «مبارزه با دشمن مشکل و پرزحمت است و کمتر کسی است که در برابر او مقاومت کند، مگر آن که خداوند آن ها را راهنمایی و تقویت	۱۸

	کرده است... بیش از هر چیز در جهاد استقامت داشته باشید و از این طریق سعادت‌هایی را که خداوند به شما وعده داده است، برای خود فراهم کنید» (واقعی، ۱۴۰۹: ۱۱۵)	
شکست سپاه اسلام در جنگ احد نتیجه نافرمانی و سستی رزمندگان در اطاعت از پیامبر بود.	«وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۵۲)	۱۹
ضرورت رعایت امنیت و رفاه اسیران	رسول خدا(ص) در رابطه با اسرای بنی قریظه فرمودند: «با اسیران خوش رفتاری کنید و به آنها آب بدهید و سیراب‌شان کنید تا خنک شوند و بعد حکم اعدام را درباره آنان اجرا کنید گرمای آفتاب و سوزندگی شمشیر را بر آنها جمع نکنید» (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۱۴) رسول خدا(ص) می‌فرماید: «هیچ‌کس به اسیری که برادر مسلمان‌ش گرفته است دست درازی نکند و او را نکشد» (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۰۶) و می‌فرمودند: «توصیه کنید که با اسیران به نیکی رفتار شود» (ابن جوزی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۲۲)	۲۰
ضرورت رعایت شأن و جایگاه اسیران	پیامبر اکرم(ص) «إِذَا أَنَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٌ فَأَكْرِمُوهُ وَإِنْ خَالَفَكُمْ؛ هرگاه شخصی کریم از قومی نزد شما آمد، او را اکرام کنید، گرچه با شما مخالف باشد.» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۴۸۳)	۲۱
ضرورت هدایت و ارشاد اسیران	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَٰعْلَمُ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (انفال: ۷۰)	۲۲

پیامبر اکرم (ص) به سپاهیان خود فرمودند: «هیچ نخلی را آتش زنید و آن را در آب غرق نکنید و هیچ درخت مثمری را قطع نکنید و هیچ زراعتی را آتش زنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۹)	۲۳	ممنوعیت آسیب رساندن به محیط زیست
پیامبر اسلام (ص) به هنگام اعزام نیرو برای جنگ با دشمنان پیوسته آنان را به رعایت قوانین و مقررات جنگ سفارش می کرد و می فرمود: «وَلَا تَهْدِمْنَ بَنَاءً...» و هیچ بنایی را ویران نسازید...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۴)	۲۴	ممنوعیت تخریب بناها و اماکن
پیامبر اسلام (ص) همواره سپاهیان را از غارت در هر زمانی از جنگ یا غیر جنگ نهی می فرمود: «کسی که غارت کند از ما نیست و غارت جایز نیست» (واقفی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۰۳۳؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۲۶۴)	۲۵	ممنوعیت غارت اموال دشمن

در ادامه هریک از مفاهیم استخراج شده طی یک فرایند قیاسی، در قالب یک نظام طبقه بندی، به مقوله های اصلی و فرعی تقسیم شدند تا خطوط اصلی و تصویر روشنی از نظام مفاهیم و آموزه های اخلاق جنگ در سیره پیامبر اعظم (ص) احصاء شود.

جدول شماره ۳: مقوله های اصلی و فرعی آموزه های اخلاق جنگ در سیره پیامبر اعظم (ص)		
ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	آموزه های اخلاقی حاکم بر راهبرد جنگ	مشروعیت جنگ
		جنگ به عنوان آخرین اقدام
		دعوت و اتمام حجت پیش از جنگ
		تفکیک نظامیان از غیر نظامیان
		صلح پذیری و پایان جنگ
۲	آموزه های اخلاقی حاکم بر شیوه و ابزارهای جنگ	حفظ امنیت غیر نظامیان
		ممنوعیت بکارگیری سلاح های
		کشتار جمعی و غیر متعارف

ممنوعیت غدر و پیمان شکنی		
پرهیز از دشنام به دشمن		
پرهیز از خشونت و رفتار غیرانسانی		
فریب دشمن		
ارعاب دشمن (جنگ روانی)		
ایجاد اختلاف و تفرقه در سپاه دشمن		
رعایت حدود و ضوابط شرعی و اخلاقی (تقوا)	آموزه‌های اخلاقی حاکم بر شایستگی‌های رزمندگان اسلام	۳
اخلاص		
دعا و استعانت از خدای متعال		
صبر و استقامت در میدان نبرد		
اطاعت از فرامین در میدان جنگ		
جواز اسارت نظامیان دشمن فقط در شرایط معین	آموزه‌های اخلاقی حاکم بر رفتار با اسیران	۴
امنیت اسیران		
تغذیه و امکانات رفاهی		
رعایت شأن اسرا		
هدایت و ارشاد		
آزادی		
ممنوعیت آسیب رساندن به محیط زیست	آموزه‌های اخلاقی حاکم بر رفتار با اماکن و محیط زیست	۵
ممنوعیت کشتن حیوانات		
ممنوعیت تخریب بناها و اماکن مسکونی و غیرنظامی		
ممنوعیت تصرف غنائم غیرجنگی و غارت		

اموال دشمن	
حفظ میراث فرهنگی	

۶. تحلیل یافته‌ها: اخلاق جنگ در سیره‌ی پیامبر اعظم (ص)

با توجه به روش پژوهش، آموزه‌های اخلاق جنگ در سیره‌ی پیامبر خدا (ص) را می‌توان از حیث موضوع محوری آن در پنج بخش راهبرد جنگ، شیوه‌ها و ابزارهای جنگ، شایستگی‌های رزمندگان اسلام، رفتار با اسیران و رفتار با اماکن، اموال و محیط زیست سازماندهی نمود. هم‌چنین این آموزه‌ها از حیث زمان کاربرد، بازه‌ی زمانی قبل از جنگ، حین جنگ و بعد از جنگ را شامل می‌شود.

۱/۶. آموزه‌های اخلاقی حاکم بر راهبرد جنگ:

۱/۱/۶. مشروعیت جنگ:

در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص)، جنگ یک راه‌حل برای از بین بردن ظلم، فتنه و تجاوزگری دشمن است. (حج: ۴۰-۳۸، بقره: ۱۹۴) و مسلمانان می‌بایست در برابر دشمن متجاوز ایستادگی و مبارزه نمایند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۱۱۹) بنابراین مورخان تمام جنگ‌های عصر پیامبر (ص)، جهاد دفاعی بوده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۴۶۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۹) و بنابر روایات معصومین شأن نزول آیه ۳۹ سوره انفال و مصداق جهاد ابتدایی در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۳۹، ج ۴: ۵۰۷). از این منظر جنگ تجاوزگرانه و به قصد انتقام‌جویی و خونریزی (بقره: ۱۹۰-۱۹۴)، جنگ با کسانی که آمادگی انعقاد صلح دارند (ممتحنه: ۸-۹)، جنگ برای سلطه‌طلبی و کسب قدرت (قصص: ۸۳)، جنگ برای کسب منافع مادی و به دست آوردن غنیمت (نساء: ۹۴) و جنگ برای تحمیل عقیده (بقره: ۲۵۶؛ یونس: ۹۹) ممنوع می‌باشد.

۲/۱/۶. جنگ به عنوان آخرین اقدام:

در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص)، جنگ اولین و تنها راه‌حل نیست، بلکه زمانی توصیه می‌شود که هیچ راه‌حل دیگری وجود نداشته باشد. برای جلوگیری از بروز جنگ، مسلمانان می‌توانند از شیوه‌های مختلف استفاده نمایند از جمله: می‌توان با افزایش قدرت نظامی (انفال: ۶۰)، بکارگیری استحکامات دفاعی (مانند حفر خندق در جنگ احزاب)، ایجاد شکاف و تفرقه در صفوف دشمن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۴۶۰) دشمن را از حمله منصرف نمود.

۳/۱/۶. دعوت و اتمام حجت پیش از جنگ:

از آن جا که هدف از جنگ، دعوت به توحید، رشد و سعادت‌مندی انسان است از این رو در سیره-پیامبر اسلام (ص) دعوت و اتمام حجت با دشمن، بر جنگ تقدم دارد و یکی از شرایط مشروعیت جنگ در اسلام به شمار می‌رود. فرمایش ایشان به حضرت علی (ع) هنگام اعزام به یمن ناظر به این مسأله است: «ای علی! با احدی نمی‌جنگی مگر این که قبل از جنگ، او را به اسلام دعوت کنی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۴۳) با تکیه بر این سیره، فقهای شیعه جنگ و جهاد بدون دعوت را جایز ندانسته‌اند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۶؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۲۹۲)

۴/۱/۶. تفکیک نظامیان از غیرنظامیان

اصل دیگری که از سیره‌ی پیامبرگرمی اسلام (ص) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۸؛ طوسی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۱۳۸) اصطیاد می‌شود، ضرورت تفکیک نظامیان از غیرنظامیان است. طبق این اصل که مبتنی بر دستور خداوند متعال است (بقره: ۱۹۰) صرفاً کشتن نیروهای نظامی و شرکت‌کننده در جنگ مجاز است و کشتن افرادی که توانایی و اهلیت جنگیدن را ندارند، مانند: ناتوانان، زنان، کودکان، سالخورده‌گان و... (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۵) و یا در مقام جنگیدن نیستند، مانند: راهبان و عابدان در عبادتگاه‌ها (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۷۵۷-۷۶۲) و یا کسانی که در میدان جنگ حاضر هستند اما برای جنگ نیامده‌اند، مانند: صاحبان صنایع و حرفه‌های مختلف: تیماردار اسب، پزشکان، امدادگران، سفرای دشمن، خدمتکاران و... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۱۸۴) (ابن حزم، ۱۴۲۴، ج ۷: ۲۹۷؛ ذهبی، ۱۴۲۸، ج ۲: ۶۸۴) ممنوع بوده و امنیت ایشان باید تأمین گردد.

۵/۱/۶. صلح‌پذیری، پذیرش آتش‌بس و پایان جنگ

در صورت انصراف دشمن از جنگ و درخواست صلح، بر مسلمانان لازم است صلح آن‌ها را پذیرفته و از ادامه جنگ جلوگیری نمایند. آیات قرآن کریم (انفال: ۶۱؛ نساء: ۹۰ و ۹۴) و سیره‌ی پیامبر در جریان صلح حدیبیه (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۴۷)، صلح با اهل نجران (شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۱۲۷) و صلح در میانه جنگ خیبر (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۲۱)، نشان از مشروعیت پذیرش صلح و آتش‌بس در قبل یا حین جنگ توسط مسلمانان است. طبعاً صلح با هر شیوه و شرطی مطلوب نیست و صلح می‌بایست بر اساس عدالت باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۸) و حیثیت، عظمت و آبروی مسلمین را حفظ نموده و موجب ضعف جامعه اسلامی، ازدست رفتن پیروزی‌های اسلام و سلطه‌ی دشمنان بر مسلمانان نشود.

(محمد: ۳۵؛ نساء: ۹۱ و ۱۴۱)

۲/۶. آموزه‌های اخلاقی حاکم بر تاکتیک جنگ (شیوه‌ها و ابزارها)

بخش زیادی از آموزه‌های اخلاق جنگ در سیره پیامبر اسلام (ص) ناظر به شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده در جنگ با دشمن است.

۱/۲/۶. حفظ امنیت غیرنظامیان

قرآن کریم (بقره: ۱۹۰) فقط کشتن سربازان دشمن که در میدان جنگ با مسلمانان می‌جنگند را مجاز می‌داند و بنابر سیره پیامبر خدا (ص) کشتن غیرنظامیان ممنوع است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۸ و ۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۱۳۸). البته کشتن افرادی مانند دریدبن الصمه در جنگ حنین، (ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۲۹۸) که توانایی جنگیدن ندارند ولی با طرح‌های نظامی و نقشه‌های جنگی با دشمن همکاری می‌کنند، مجاز شمرده شده است. در مجموع افرادی که می‌بایست امنیت ایشان توسط سپاه اسلام حفظ شود عبارتند از: مجروحین جنگی دشمن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۲، ۱۳ و ۳۸؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۷: ۶۷۴) فراریان (طبری، ۱۳۸۷، ج ۷: ۵۸۶)، اسیران (محمد: ۴؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۵۰)، کودکان (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۵ و ۵۸) زنان (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴: ۳۳۷)، سالخورده‌گان (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۸) روحانیون مذهبی و راهبان کلیسا (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۷۶۲-۷۵۷)، پزشکان و امدادگران (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۱۸۴)، سفرا و نمایندگان دشمن (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۳۱).

۲/۲/۶. ممنوعیت بکارگیری سلاح کشتار جمعی

با این که در صدر اسلام، سلاح کشتار جمعی به معنای امروزی آن وجود نداشت، رسول خدا (ص) استفاده از هر نوع سلاح غیر متعارف را که موجب خسارت سنگین در جبهه‌ی دشمن می‌شد، ممنوع نمود. از امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که رسول خدا (ص) از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی نموده است: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُلْقَى السَّمُ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۶۲). اگرچه استفاده از این سلاح‌ها موجب پیروزی سریع سپاه اسلام و کاهش تلفات آن‌ها در برابر دشمن می‌شود اما به دلیل این که علاوه بر کشته شدن سربازان دشمن، موجب کشته شدن غیرنظامیان و تخریب محیط زیست نیز می‌شود، طبق آیات قرآن کریم (بقره: ۲۰۵؛ اسراء: ۳۳) و اصل تفکیک غیرنظامیان از نظامیان ممنوع می‌باشد. امروزه نیز استفاده از سلاح‌هایی مانند بمب‌های خوشه‌ای، شیمیایی، میکروبی، هسته‌ای و مانند آن، جایز نیست.

۳/۲/۶. ممنوعیت غدر و پیمان شکنی

غدر به معنی شکستن پیمان و خیانت به دشمن است. خداوند متعال در قرآن کریم مسلمانان را به وفای پیمانی که بسته‌اند توصیه نموده است. (آل عمران: ۷۶؛ انفال: ۲۷؛ توبه: ۴) پیامبر اسلام (ص) نیز غدر و خیانت را خصلت منافقین دانسته (صدوق، ۱۳۸۲: ۲۵۴) و هنگام اعزام سپاهیان به جنگ آن‌ها را از خیانت بر حذر می‌داشتند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۷؛ طوسی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۱۳۸) ایشان پس از صلح حدیبیه، با توجه به پیمانی که با قریش بسته بودند، به ابوبصیر که از مکه فرار کرده بود و به مدینه آمده بود، فرمود: «دردین ما غدر نیست، تو باید به مکه بازگردی» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۳۲۳). همچنین حاضر نشدند اموالی را که مغیره بن شعبه با کشتن خائنانه عده‌ای از مشرکان به دست آورده بود، تحویل بگیرد. (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۲۱۵)

۴/۲/۶. پرهیز از دشنام دادن به دشمن

از دیگر آموزه‌های اخلاق جنگ، منع از دشنام به دشمنان است. خداوند در قرآن مسلمانان را از دشنام به مشرکین نهی نموده است. (انعام: ۱۰۸) در جنگ احد نیز که ابوقتاده شروع به دشنام دادن به قریش کرد، پیامبر اکرم (ص) سه مرتبه او را از این کار نهی نمود و فرمود: «در این مورد در پیشگاه خداوند از تو حساب خواهم خواست» (واقعی، ۱۴۰۹: ۱۱۸) همچنین در جای دیگر مسلمانان را از سب اهل شرک نهی نمودند. (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۱۵۵)

۵/۲/۶. پرهیز از خشونت و رفتارهای غیرانسانی

تعالیم اسلام در قرآن کریم و سیره نبوی (ص)، مسلمانان را به کاربرد روش‌های انسانی در جنگ توصیه و استفاده از روش‌هایی که کرامت انسانی را خدشه دار می‌نماید نهی نموده است. (اسراء: ۳۳) در سیره پیامبر خدا (ص) استفاده از روش‌هایی مانند: مثله کردن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۷) (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۱۵)، تحریم آب و مواد غذایی (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۲: ۸۲۶) (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۳۵)، ارباب، فتک و اغتیال، نسل کشی (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۹)، آتش زدن (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۷: ۲۲۴) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۸)، شکنجه (بروج: ۱۰) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۳۳۶)، قتل صبر (طباطبائی بروجردی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۱۱۶) (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۶۵: ۳۳۷) ممنوع و نهی شده است.

۶/۲/۶. ارباب دشمن (جنگ روانی)

ارباب از «رُعب» به معنای ترساندن (مصطفی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۹۳) یکی از شیوه‌های مجاز در جنگ با دشمن است که در قرآن کریم (آل عمران: ۱۵۱، انفال: ۱۲، حشر: ۲، احزاب: ۲۶، انفال: ۶۰) به آن اشاره و

درسیره پیامبر خدا(ص) (طبرسی، ۱۳۳۹، ج ۲: ۴۱۴؛ قمی، ج ۲: ۵۲۸؛ ابن هشام، بی تا: ۴۶) به کاررفته است. به همین دلیل چنین استنباط می شود که برای تأمین اهداف نظامی، یکی از شیوه های مجاز و قابل استفاده، ارباب دشمن است که امروزه تحت عنوان جنگ روانی کاربرد یافته است.

از دیگر شیوه های عملیات روانی که مسلمانان مجاز هستند در جنگ با دشمن استفاده نمایند، خُدعه می باشد. خدعه به معنای فریب دشمن است و تنها در جنگ مجاز می باشد؛ برخلاف غدر که در هر شرایطی ممنوع است. خدعه به معنای آن است که در جنگ با اقداماتی مانند استتار، پخش اخبار دروغ، ساخت تأسیسات غیر حقیقی و پنهان کاری، دشمن را به اشتباه و خطا در محاسبات و تصمیم گیری بیندازیم. از نظر رسول خدا(ص) جنگ، خدعه است و روایت مشهور «الحربُ خدعه» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۱۳۳) از ایشان نقل شده است. در فرمایشی دیگر دروغ گفتن در جنگ را نیکو شمرده است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۵۹). هم چنین ایشان در نبردهای خویش با دشمنان از تاکتیک خدعه بهره برده است. برای مثال ایشان در برخی از جنگ ها دستور دادند، برای فریب دشمن در بسیاری از نقاط آتش بیفروزند تا دشمن نیروهای سپاه اسلام را زیاد تصور نماید. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۳۸) یا موافقت ایشان با درخواست عمرو عاص در سریه ذات السلاسل، که درخواست جنگ با دشمن از طریق خدعه را نمود. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۶۳) و یا دستور ایشان به خضاب نمودن رزمندگان اسلام در هنگام جنگ (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۸: ۱۲۲) نشان از مجاز بودن فریب در جنگ می باشد.

یکی دیگر از دیگر شیوه های مجاز در عملیات روانی علیه دشمن، ایجاد اختلاف و تفرقه در سپاه دشمن است. از رموز موفقیت و پیروزی در میدان جنگ، وحدت بین رزمندگان اسلام و ایجاد تفرقه و اختلاف در صفوف سپاه دشمن و برهم زدن سازماندهی آنان است. سیره پیامبر خدا(ص) در جنگ های عصر خویش مانند جنگ احزاب، نشان از مجاز بودن آن دارد. در اثنای جنگ احزاب، نعیم بن مسعود که تازه مسلمان شده بود و کسی از آن آگاهی نداشت، خدمت پیامبر(ص) رسید و عرض کرد: هر دستوری بدهید برای پیروزی نهایی به کار می بندم. پیامبر(ص) فرمودند: «مانند تو در میان ما یک نفر بیشتر نیست. اگر می توانی در میان لشکر دشمن اختلاف بیفکن.» (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۰: ۲۰۷)

۳/۶. آموزه های اخلاقی حاکم بر شایستگی های رزمندگان اسلام

بخش مهمی از آموزه های اخلاق جنگ در اسلام، ناظر به ویژگی های شخصیتی و رفتاری رزمندگان اسلام است. از این منظر، رزمندگان اسلام که در بیان قرآن کریم «مجاهدان فی سبیل الله» هستند

(نساء: ۹۵) و خدای متعال دوست دار آن‌هاست (صف: ۴)؛ می‌بایست دارای شایستگی‌هایی باشند تا از جنگ‌سالاران و نظامیانی که در طول تاریخ وجود داشته‌اند قابل تمایز باشند. شایستگی‌های رفتاری رزمندگان اسلام در سیره پیامبر خدا (ص) عبارت است از:

۱/۳/۶. رعایت حدود و ضوابط شرعی و اخلاقی (تقوا)

یکی از دستورات خداوند و پیامبر خدا (ص) به رزمندگان، تقوا و پرهیزگاری است. به این معنی رزمندگان اسلام در میدان و بحبوحه‌ی جنگ نیز ملزم به رعایت دستورات، ضوابط الهی و شرعی هستند و نباید از احکام الهی تعدی و تجاوز نمایند. (بقره: ۱۹۰، ۱۹۴) پیامبر خدا هرگاه فرماندهی را با لشگری گسیل می‌داشت، نخست او را به رعایت تقوای الهی سفارش می‌کرد. (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۴۱)

۲/۳/۶. اخلاص

مسلمان باید همه کارهایش را برای خداوند خالص گرداند، هرگاه مقصد و هدف غیر خدا باشد، آن کار به سرانجام نمی‌رسد. از این رو رسول خدا (ص) هنگام اعزام سپاهیان به جنگ می‌فرمود: «با نام خدا خارج شوید و در راه خدا مقاتله کنید» (ابن حنبل، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۰۰) در جریان جنگ احزاب هنگامی که حضرت علی (ع) بر عمر بن عبدود چیره شد، اما از کشتن او صرف نظر نمود، مسلمانان به انتقاد پرداخته و حذیفه بن یمان نیز اقدام حضرت علی (ع) را خطا خواند. پیامبر فرمود: «علی، سبب این کار را بیان خواهد کرد». پس از معرکه حضرت علی (ع) در بیان علت فرمودند: «عمر و مادر مرا ناسزا می‌گفت و بر صورتم آب دهان انداخت، پروا کردم که مبدا او را به خاطر خودم بکشم. از این‌رو رهایش کردم تا خشمم فرو نشست. سپس او را به خاطر رضای خدا کشتم.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۱۵). هم چنین اسلام جنگ با هدف کسب غنیمت را مذموم می‌داند (نساء: ۹۴) و افرادی را که با هدف غنیمت به جنگ می‌روند و اگر در جنگ غنیمتی به دست نیاید از شرکت در جنگ خودداری می‌کنند، سرزنش می‌کند. (توبه: ۴۲)

۳/۳/۶. دعا و استعانت از خداوند متعال

در سیره پیامبر خدا (ص) دعا و استعانت از خداوند متعال اهمیت ویژه‌ای دارد. این مهم در مواقع سختی مخصوصاً جنگ اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کرد. بنابر روایات معصومین یکی از رفتارهای پیامبر (ص) در مواجهه با دشمن (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۵۴)، اعزام سپاهیان به جنگ (همان: ۵۳) و همچنین درحین جنگ و مبارزه (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۸۷) (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۰۷) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۶۸) دعا و استعانت از خداوند متعال و سفارش به رزمندگان اسلام به انجام این کار بوده است.

۴/۳/۶. صبر و استقامت در میدان نبرد

یکی دیگر از توصیه‌های خداوند متعال به رزمندگان اسلام، صبر، بردباری و استقامت در میدان نبرد با دشمن است. (انفال: ۴۶، ۶۵) پیامبر خدا (ص) نیز همواره لشگریان را به صبر و استقامت امر نموده و می‌فرمودند: «مبارزه با دشمن مشکل و پرزحمت است و کمتر کسی است که در برابر او مقاومت کند، مگر آن‌که خداوند آن‌ها را راهنمایی و تقویت کرده است... بیش از هر چیز در جهاد استقامت داشته باشید و از این طریق سعادت‌هایی را که خداوند به شما وعده داده است، برای خود فراهم کنید» (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۱۵)

۵/۳/۶. اطاعت از فرامین در میدان جنگ

اطاعت کردن از فرامین صادره در میدان جنگ، امری بدیهی است؛ اگر رزمندگان از فرامین اطاعت نکنند، موجب تفرقه و پراکندگی در سازماندهی نظامی شده و شکست آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. شکست سپاه اسلام در جنگ احد، نمونه‌ای از نتیجه نافرمانی رزمندگان در میدان جنگ است. پس از پایان جنگ، مسلمانان از پیامبر (ص) انتقاد کردند که مگر خداوند به ما وعده پیروزی نداده بود، پس چرا شکست خوردیم؟ خداوند متعال در آیه ۱۵۲ سوره آل عمران، سستی، نزاع و نافرمانی را عامل شکست مسلمانان بیان نمود.

۴/۶. آموزه‌های اخلاقی حاکم بر رفتار با اسیران

۱/۴/۶. جواز اسیرگرفتن از نظامیان دشمن فقط در شرایط معین

در دین اسلام و سیره پیامبر (ص) هدف اصلی در جنگ، رسیدن به منافع اخروی، هدایت مردم، نجات مستضعفان و شکستن طاغوت است، نه قتل، غارت یا به دست آوردن غنائم و گرفتن اسیر. (انفال: ۶۷؛ محمد: ۴) قرآن کریم، هیچ اشاره‌ای به دو رسم متداول آن زمان در مورد اسیران (کشتن و بردگی)، نکرده است و تنها جواز به حبس اسیر تا پایان جنگ و آزادی با منت یا آزادی با فدیة بعد از پایان جنگ داده است. واژگانی که قرآن درباره اسارت به کار برده تنها در مورد جنگجویان دشمن است و هیچ‌گاه غیر نظامیان، اسیر شمرده نشده‌اند. (بقره: ۸۵؛ نساء: ۸۹، ۹۱؛ توبه: ۵؛ انفال: ۶۷، ۷۰؛ احزاب: ۲۶؛ انسان: ۸؛ محمد: ۴) پیامبر اکرم (ص) نیز در فتح مکه، کسی را اسیر ننمود. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۲۵). براساس آیات قرآن، علل و موجباتی که برای گرفتن اسیر از دشمن مجاز شمرده شده است را می‌توان چنین نام برد: جنگ (محمد: ۴)، پشتیبانی از دشمن (احزاب: ۲۶)؛ نقض پیمان صلح (توبه: ۵) و توطئه‌گری (نساء: ۹۱).

۲/۴/۶. امنیت اسیران

از آموزه‌های اخلاقی اسلام درباره اسیران، حفظ امنیت اسیران و پرهیز از شکنجه و کشتن ایشان است. سیره پیامبر (ص) در رفتار با اسیران بعد از جنگ بدر (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۱۸۵)، جنگ حنین (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۴۴) و بنی قریظه (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۱۴) نشان‌گر تأکید حضرت بر حفظ امنیت و پرهیز از شکنجه اسیران در دوران اسارت است، هرچند حکم آن‌ها اعدام باشد.

۳/۴/۶. فراهم آوردن تغذیه و امکانات رفاهی برای اسیران

در نگاه اسلام و سیره پیامبر اکرم (ص) بر رفتار انسانی با اسیران و اطعام، پوشاک و تأمین محل مناسب برای آنان تأکید شده است. در این باره ابولعاص بن ربیع از اسرای جنگ بدر نقل می‌کند: «من در دست گروهی از انصار اسیر بودم، خدا خیرشان دهد، هرگاه شام یا نهار می‌خوردیم، نان را که بسیار کم بود به ما اختصاص می‌دادند و خودشان خرما می‌خوردند» (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۲) ولید بن مغیره نیز این مطلب را تأیید کرده و افزوده است: «انصار ما را سوار می‌کردند و خود پیاده می‌رفتند» (همان) همچنین رسول خدا (ص) اجازه نداد اسرای بنی قریظه را که محکوم به قتل بودند در گرمای آفتاب تابستان نگه دارند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۴) و دستور داد زنان و فرزندان ایشان را در خانه «کیسه» دختر حارث، زندانی و آب و غذا برایشان فراهم نموده و با آنان خوش رفتاری نمایند. (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۲: ۷۵)

۴/۴/۶. مراعات شأن اسیران

افرادی که به اسارت درمی‌آیند، همه دارای یک موقعیت و شأن اجتماعی نیستند، بلکه از مراتب مختلفی برخوردارند؛ از این رو باید نحوه برخورد با اسیر، با شخصیت اجتماعی وی در جامعه‌اش متناسب باشد؛ به طوری که اگر مراعات نشود، از کرامتش کاسته شده و زحمت و زجر مضاعفی علاوه بر اسارت برای او خواهد بود. توصیه‌های پیامبر خدا (ص) در برخورد کریمانه با اسیران (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۴۸۳) و عطوفت ایشان با اسیرانی مانند دختر حاتم طایی (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۱۳) بر این مهم دلالت دارند. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۸۸)

۵/۴/۶. هدایت و ارشاد اسیران

هدف از جنگ در اسلام، هدایت مردم و راهنمایی ایشان است؛ از این جهت رزمندگان اسلام مکلف هستند در هدایت و ارشاد اسیران بکوشند و آن‌ها را به سوی دین الهی راهنمایی سازند. خداوند متعال به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که اسیران را با بیان دلگرم‌کننده به سوی ایمان و اصلاح روش خود دعوت و تشویق کند. (انفال: ۷۰)

۶/۴/۶. آزادی اسیران

درباره آزادی اسیران، در آیات قرآن کریم به دو روش آزادی بدون قید و شرط «منّ» و آزادی در برابر فدیة «فداء» (محمد: ۴) اشاره شده است. در سیره پیامبر خدا (ص) به موارد بسیاری برخورد می‌کنیم که ایشان اسیران جنگی را بدون دریافت فدیة یا هر عوض دیگری آزاد نموده است. به عنوان نمونه می‌توان به آزادی اهل مکه پس از فتح آن (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۶۱)، آزادی تعدادی از اسرای بدر (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۳۸) و آزادی اسرای جنگ حنین (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۴۹) اشاره نمود.

هم چنین مواردی نیز پیامبر خدا (ص) اسیران را در مقابل فدیة آزاد نموده است. فدیة به معنی عوضی است که در مقابل آزادی اسیر پرداخت می‌شود (معلوف، ۱۳۷۱: ذیل واژه) و بر چند نوع است. فدیة می‌تواند پول، کالا، خدمت، مبادله با اسیران خودی و یا همکاری در امور جنگی باشد. به عنوان نمونه می‌توان به آزادی برخی از اسیران قریش در جنگ بدر (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۳۸) و آزادی دونفر از قریش در سریة عبدالله بن جحش (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۱۳) با فدیة مالی؛ آزادی تعدادی از اسرای بدر در مقابل سوادآموزی به چند نفر از فرزندان انصار (خدمت) (ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۶)، آزادی اسیر در سریة حضرت علی (ع) به سوی بنی سعد (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۶۲) و سریة عکاش بن محصن (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۵۵۰) در مقابل همکاری با سپاه اسلام و آزادی پسر ابوسفیان (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۶۶)، اسیران قبیلة ثقیف (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۲۶) و اسیر قبیلة بنی فزاره (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۹: ۱۲۹) از طریق مبادله با اسیران سپاه اسلام اشاره نمود.

۶/۵. آموزه‌های اخلاقی حاکم بر اموال و محیط زیست.

برخی از آموزه‌های اخلاق جنگ در سیره پیامبر خدا (ص) در رابطه با حفظ و صیانت از محیط زیست و اموال دشمن است، این آموزه‌ها عبارتند از:

۶/۵/۱. ممنوعیت آسیب رساندن به محیط زیست (مزارع و درختان)

از منظر قرآن کریم (بقره: ۲۰۵) و سیره رسول خدا (ص)، بریدن درختان، سوزاندن و از میان بردن مزارع، باغ‌ها و... در حال جنگ ممنوع است مگر در حالت اضطرار و یا اقتضای مصلحت؛ یعنی این که دشمن از آن‌ها به عنوان ابزار جنگی استفاده نماید و برای صیانت از رزمندگان و پیشبرد جنگ، آسیب رساندن به آن‌ها ضرورت داشته باشد. پیامبر (ص) به سپاهیان خود فرمودند: «هیچ نخلی را آتش نزیند و آن را در آب غرق نکنید و هیچ درخت مثمری را قطع نکنید و هیچ زراعتی را آتش نزیند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۹، ۲۷) (نوی، ۲۰۰۹: ۱۳۹) با این حال پیامبر (ص) در غزوة بنی نضیر (مروراید، ۱۴۱۰، ج ۹: ۱۷۸) و

طائف دستور به قطع نمودن بعضی از درختان دادند و درختانی که جوان بودند باقی ماندند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۶۷). آیه پنجم سوره حشر ناظر به همین اقدام رسول خدا (ص) در غزوه بنی نضیر می باشد. از نظر مورخان، برای خارج ساختن یهودیان از سنگرها و قلعه های ایشان، از بین بردن منابع قدرت و اقتدار ایشان و تضعیف روحیه ایشان، قطع درختان ضروری بود. (عاملی، ۱۴۲۶، ج ۶: ۱۰۱)

۲/۵/۶. ممنوعیت کشتن حیوانات

در میدان جنگ، حیوانات یا متعلق به مسلمانان هستند و یا به دشمن. همچنین برخی از حیوانات مانند اسب و شتر در مبارزه کاربرد داشته و برخی دیگر مانند گاو و گوسفند، صرفاً برای تغذیه و خوراک سربازان استفاده می شود. حکم اولی در کشتن حیوانات براساس قرآن کریم (بقره: ۲۰۵) و سیره- پیامبر (ص) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۵۹؛ الجندی، ۱۹۸۰: ۷۸) ممنوعیت آن است. اما اگر حیوان از ابزار نظامی دشمن باشد و امکان تصرف آن نباشد و یا امکان آن باشد که در اختیار دشمن قرار بگیرد و موجب تقویت او شود، کشتن آن ها جایز است. چنانچه جعفر طیار (ع) در جنگ موته اسب خود را پی نمود و پیامبر (ص) نسبت آن سکوت نمود و نهی نفرمود. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۹۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۸۲)

۳/۵/۶. پرهیز از تخریب ابنیه غیر نظامی دشمن (اماکن مسکونی، معابد، کنیسه ها و...)

در آموزه های اسلامی، تخریب بناها، شهرها و اماکن مسکونی که مردم غیر نظامی در آن ها زندگی می کنند و به محل تجمع و سنگر نیروهای نظامی تبدیل نشده است ممنوع است. پیامبر اکرم (ص) هنگام اعزام سپاه به ایشان توصیه می فرمودند: «ولا تهدمن بناءاً...» «هیچ بنایی را ویران نسازید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۴). اگر تخریب اماکن مسکونی وجه عقلانی داشته یا از روی اضطرار باشد و یا نیروهای دشمن از آن به عنوان سنگر و پایگاه علیه مسلمانان بهره می برند، در این صورت تخریب آن ها اشکالی نخواهد داشت. چنانچه پیامبر خدا (ص) در طائف، غزوه بنی نضیر و جنگ خیبر خانه های ایشان را ویران نمود. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۶۵). همچنین پیامبر اکرم (ص) عهدنامه ای درباره اهل کتاب صادر و در آن تأکید نمود که نباید به کلیساها، صومعه ها، راهبان و کشیش ها آزاری برسد. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۷۶۲-۷۵۷)

۴/۵/۶. منع تصرف غنائم غیر جنگی و غارت اموال دشمن

در جنگ های گذشته، رسم بر این بود که اموال دشمن را غارت می نمودند. این غارت گاهی قبل از آغاز جنگ و گاهی بعد از آن بود و حتی گاهی نسبت به اموال برخی از اتباع دشمن که در سفر بودند یا

در مناطق مرزی و درگیر جنگ زندگی می‌کردند صورت می‌گرفت. غارت به معنای دزدی و چپاول اموال دشمن است و باغنیمت گرفتن که بعد از پیروزی به دست می‌آید، تفاوت دارد. براساس آموزه‌های اسلامی، اگر دشمن حربی و غیرمسلمان باشد، اموال دشمن به جز اموال مربوط به مسلمانان یا اموالی که باتوافق قبلی امام وارد دارالحرب شده است، غنیمت جنگی است و اموال خصوصی اتباع دشمن که در امان حکومت اسلامی هستند و... محترم می‌باشد. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۲۵)

همچنین درسیره پیامبر خدا(ص) به شدت از غارت دشمن نهی و احترام به اموال دیگران در صورتی که درزمره اموال جنگی نباشد و درجنگ استفاده نشود، توصیه شده است. ایشان همواره سپاهیان را از غارت در هر زمانی از جنگ یا غیرجنگ نهی می‌فرمود: «کسی که غارت کند از ما نیست و غارت جایز نیست» (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۰۳۳؛ ابن ماجه، بی تا، ج ۲: ۱۲۹۸؛ کاتب واقعی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۸۶؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۲۶۴؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۶۶)

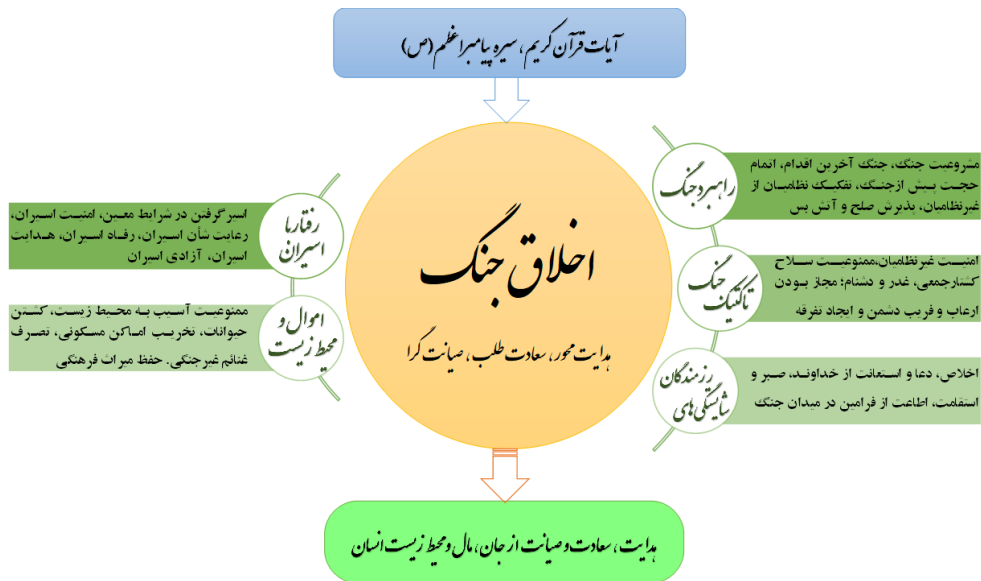
۵/۵/۶. حفظ میراث فرهنگی

یکی از مسائل مهم در جنگ حفاظت از میراث فرهنگی است. آیات قرآن کریم (روم: ۹) انسان‌ها را به مشاهده آثار به جای مانده از گذشتگان و عبرت‌آموزی از آن‌ها دعوت می‌نماید. سیره‌ی عقلانی نیز نابود کردن میراث فرهنگی را تقبیح می‌نماید. در جنگ‌های پیامبر اسلام گزارشی از تخریب آثار باستانی وجود ندارد. پیامبر(ص) فقط بت‌ها و معبودهای بت پرستان را می‌شکستند. از جمله پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) را برای تخریب بت خانه قبیله فلس اعزام نمود، ولی آثار و بناهای تاریخی را حفظ نمود. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۸۴). این روش توسط حضرت علی(ع) ادامه یافت. ایشان در شهر مدائن، از ایوان کسری دیدن نمودند و نه تنها آن را تخریب ننمودند بلکه در آن نماز خواندند. بعدها خالد بن برمک، باتکیه بر همین رفتار حضرت علی(ع) خلیفه عباسی را از خراب نمودن ایوان کسری منع نمود. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۴۴۸)

۷. الگوی اخلاق جنگ در سیره پیامبر اعظم(ص)

با عنایت به تحلیل یافته‌های پژوهش، الگوی اخلاق جنگ در سیره پیامبر اسلام(ص) را می‌توان به صورت زیر ارائه نمود:

تصویر (۲): الگوی مفهومی اخلاق جنگ در سیره پیامبر اعظم(ص) (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)



الگوی اخلاق جنگ در سیره پیامبر اعظم (ص) بر پایه‌ی دستورات خداوند متعال و آیات قرآن کریم، الگویی است که سه عنصر هدایت، سعادت و صیانت انسان را در پنج حوزه‌ی راهبرد جنگ، تاکتیک جنگ، شایستگی‌های رزمندگان، رفتار با اسیران و رفتار با اموال و محیط زیست دنبال می‌کند. در این الگو، اخلاق انسانی همه سطوح و لایه‌های جنگ جریان دارد. بر این اساس، هدف از جنگ، هدایت انسان و دفع موانع آن بوده و شروع جنگ با هدف انتقام جویی یا کسب منافع مادی ممنوع است. این الگو با محوریت اصولی چون تفکیک متجاوزان از غیر متجاوزان و تناسب پاسخ‌گویی به اقدامات دشمن؛ شیوه‌هایی که موجب آسیب به غیرنظامیان یا محیط زیست انسان می‌شود را محدود می‌نماید. در این الگو شیوه‌های مقابله با دشمن به از بین بردن منابع قدرت او محدود شده است. همچنین در این الگو رزمندگان اسلام نیز علاوه بر این که می‌بایست دارای شایستگی‌ها و ویژگی‌های اخلاقی باشند، باید رفتار اخلاقی داشته و حدود و آداب اخلاقی را در قبال، حین و پس از جنگ رعایت نمایند.

نتیجه‌گیری

آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام (ص) حاکی از جریان داشتن اخلاق در ساحت‌های مختلف زندگانی انسان، از جمله جنگ دارد. در حوزه اخلاق جنگ، دین اسلام در مقایسه با سایر مکاتب و اندیشه‌های بشری نگاهی هدایت‌محور، سعادت‌طلب و صیانت‌گرا دارد. از این منظر هدف از جنگ هدایت انسان، دفع موانع آن و رسانیدن او به سعادت است. این هدف در ابعاد مختلف جنگ نیز جریان یافته و با ارائه

آداب و حدود جنگ و تفکیک متجاوزان از غیرمتجاوزان، صیانت از جان، اموال، اماکن و محیط زیست بشری را دنبال می‌کند. بررسی اجمالی متون منتشر شده در رابطه با اخلاق جنگ در عرصه مطالعات اسلامی نشان می‌دهد، علی‌رغم غنای فکری اسلام در حوزه اخلاق جنگ، بیشتر پژوهش‌های اسلامی در رابطه با مسأله جنگ در حوزه فقه و حقوق اسلامی و مقررات ناظر بر آن انجام شده است و سهم پژوهش‌ها بارویکرد اخلاقی نسبت به مسأله جنگ کمتر می‌باشد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (بی‌تا). شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن عثمان (۱۴۰۹ق). المصنف، ریاض، مکتبه الرشد.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۵ق). الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالصادر.
- ابن اثیر، علی بن محمد (بی‌تا). اسدالغابه فی معرفه الصحابه، تهران، اسماعیلیان.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق و تصحیح محمود محمد طناحی، قم، اسماعیلیان.
- ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلی (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۲ش). الخصال، قم، نسیم کوثر.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵ق). علل الشرایع، بی‌تا.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضر الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی (ق ۱۴۱۵). الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۲۴ق). المحلی بالآثار، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی‌تا). جوامع السیره النبویه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۲ق). مسند الامام احمد بن محمد بن حنبل ابی عبد الله الشیبانی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۴ق). الطبقات الکبری، طائف، مکتبه الصدیق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ش). مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.

- ابن کثیر، ابوالفداء إسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق). البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوی (بی تا). السنن، محقق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء الكتب العربیه.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۸۱ش). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، بی جا، اساطیر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۸ق). سنن أبی داود، بیروت، دار ابن حزم.
- اتکینسون، آر. اف (۱۳۷۰ش). درآمدی به فلسفه اخلاق، مترجم سهراب علوی نیا، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- احمدی طباطبائی، سید محمد رضا (۱۳۸۷ش). اخلاق و سیاست رویکردی اسلامی و تطبیقی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق). مکاتیب الرسول، قم، دارالحديث.
- اخوان کاظمی، بهرام (تابستان ۱۳۸۳ش). «دولت و پدیده قدرت از منظر واقع گرایی سیاسی»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، ش ۴۱، صص ۱۰۰-۸۲.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳ش). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- برزنونی، محمد علی (پاییز و زمستان ۱۳۸۴ش). «اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح»، مجله حقوق بین المللی، ش ۳۳، صص ۱۵۷-۷۳.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف، بیروت، دارالفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق). السنن الکبری، بیروت، دار الكتب العلمیه.
- پالمر، مایک (۱۳۸۵ش). مسائل اخلاقی، مترجم علیرضا آل بویه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- الجنیدی، انور (۱۹۸۰م). الاسلام و حركه التاريخ، بیروت، دارالکتب.
- جواندل، نرگس (۱۳۸۹ش). جستارهایی در اخلاق کاربردی، قم، انتشارات دانشگاه قم.
- حراعلی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- حلبی، ابوالفرج نورالدین علی بن ابراهیم (۱۴۲۷ق). السیره الحلبیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حمیری المعافری (ابن هشام)، عبد الملك بن هشام (بی تا). السیره النبویه، بیروت، دار المعرفة.
- خدوری، مجید (۱۳۹۱ش). جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، کلبه شروق.
- دانش آشتیانی، محمد باقر (پاییز ۱۳۸۸ش). «اصول و روش تدوین دکتربین نظامی»، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۷، صص ۷۲-۱۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش). لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۲۸ق). تذکره الحفاظ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب.
- الزحلی، وهبه (۱۴۱۹ق). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی (دراسه مقارنه)، دمشق، دارالفکر.
- زمانی زاده، طهماسب (۱۳۹۶ش). نقد اخلاق جنگ گروه های تکفیری با تاکید بر سنت نبوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی، قم.
- ژکس. (۱۳۶۲ش). فلسفه اخلاق، مترجم ابوالقاسم حسینی، تهران، امیرکبیر.
- شبر، سیدعبدالله (۱۳۷۴ش). الاخلاق، قم، مکتبه العزیزی.
- شیرازی، ابراهیم بن علی (۱۴۲۴ق). المذهب فی فقه الإمام الشافعی، بیروت، دار المعرفه.
- طاهری سرتشنیزی، اسحاق (۱۴۰۱ش). فلسفه جهاد و دفاع در اسلام، قم، زمزم هدایت.
- طباطبائی بروجردی، سیدحسین (۱۳۶۱ش). جامع احادیث الشیعہ، تهران، بی نا.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۱ش). سنن النبی، مترجم حسین استادولی، تهران، پیام آزادی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۳۹ش). مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، دارالمعارف الاسلامیه.
- طبرسی، ابوالفضل علی (۱۴۱۸ق)، مشکوه الانوار، محقق مهدی هوشمند، قم، دارالحديث.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ش) تاریخ الطبری تاریخ الأمم و الملوك، بیروت، دارالتراث.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۰ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارکتب العربی.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۱۳ق). تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۸۹ش). اخلاق ناصری، تهران، فراهانی.
- عالم زاده نوری، محمد (۱۳۹۲ش). استنباط حکم اخلاقی ازسیره و عمل معصوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عالم زاده نوری، محمد (۱۳۹۶ش). استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ق). الصحیح من سیره النبی الأعظم، قم، دارالحديث.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- عمویی، حامد و حسین خانی، الهام (بهار ۱۳۹۰ش). «دیدگاه های رهیافت های مختلف روابط بین الملل نسبت به مسأله صلح»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۱۴، صص ۸۷-۶۵.
- غزالی، ابوحامد (بی تا). احیاء علوم الدین، بیروت، دارالکتب العربی.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۳ش). فلسفه اخلاق، مترجم هادی صادقی، قم، کتاب طه.
- فرو، هلن (۱۳۹۸ش). اصول اخلاقی جنگ و صلح، مترجم مهدی ابراهیم زاده، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

قربان نیا، ناصر (تابستان ۱۳۸۲ش). «بررسی مداخله بشردوستانه از منظر اخلاق»، نامه مفید، ش ۴، صص ۱۵۲-۱۲۵.

قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ق). سفینه البحار و مدینه الحكم والآثار مع تطبيق النصوص الواردة فيها على بحار الأنوار، قم، انتشارات اسوه.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم، دارالکتاب.

قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۸ش). سیاست های مقایسه‌ای، تهران، سمت.

کاتب واقدی، ابن سعد (۱۴۱۸ق). الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گوتک، جرال‌الدال (۱۳۸۹ش). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، تهران، سمت.

لوبان، دیوید (۱۳۹۱ش). «جنگ عادلانه و حقوق بشر»، ترجمه یاسر روستایی، مهرنامه، ویژه نامه جنگ و صلح، تهران، هنر سرزمین سبز.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴ش). حیاة القلوب، قم، سرور.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار الجامعه لدرر اخبارالانمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء.

محلّاتی، محمدجعفر (پاییز و زمستان ۱۳۸۵ش). «اخلاق جنگ در متون ادبی و حماسی فارسی»، پژوهشنامه ادب حماسی، ش ۳، صص ۹۱-۱۱۳.

مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ق). سلسله الینایع الفقیه، بیروت، دارالتراث.

مصباح یزدی، مجتبی (۱۳۸۲ش). بنیاد اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸ش). پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ش). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصطفوی تبریزی، حسن (۱۳۷۴ش). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصطفی، ابراهیم (۱۳۸۶ش). المعجم الوسیط، بی‌جا، مؤسسة الصادق (ع).

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴ش). مجموعه آثار، تهران، صدرا.

معلوف، لويس (۱۳۷۱ش). المنجد فی اللغة، قم، اسماعیلیان.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مور، جورج ادوارد (۱۳۸۵ش). مبانی اخلاق. ترجمه غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

موزلی، الگزاندرا (۱۳۹۸ش). «نظریه جنگ عادلانه»، دانشنامه جنگ و صلح، گردآورنده و ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، صدای معاصر.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ش). شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی(ره).

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷ش). شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی(ره).

نادری، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش). «مدل نظری اخلاق جنگ در تفکر شیعی با تأکید بر دیدگاه آیت الله سیستانی»، دانش سیاسی، ش ۲۶، صص ۳۴-۵.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی. نظام الملک طوسی، حسن بن علی (۱۳۸۹ش). سیرالملوک (سیاست نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، بیروت، آل البيت. نووی، ابوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف (۲۰۰۹م). المجموع: شرح المذهب، بیروت، بیت الافکار الدولیه. نیچه، فریدریش (۱۳۷۷ش). حکمت شادان، ترجمه جمال آل احمد و سعید کامران و حامد فولادوند، تهران، جامی.

نیچه، فریدریش (۱۳۸۰ش). تبارشناسی اخلاق، ترجمه داریوش آشوری، تهران، آگاه.

هولمز، رابرت ال (۱۳۸۵ش). مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس.

هیوود، اندرو (۱۳۸۹ش). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر نی.

واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق). المغازی، بیروت، مؤسسه اعلی.

Christopher. P. (2004). The Ethics of War and Peace: An Introduction to Legal and Moral Issues. ۳rd edn. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Iain Attack (2005), The Ethics of Peace and War, Edinburgh University Press.

Jonson, J.T. (1981), Just War Tradition and the Restraint of War. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Oldmeinen, mareike, (2010), The Political Realism of Thucydides and Thomas Hobbes, university of St Andrews.

- Orend. B. (2008). 'War'. In E.N.Zalta (es.), Stanford Encyclopedia of Philosophy, Fall2008 edn, available at <http://plato.stanford.edu/archives/fall2008/entries/war/> (accessed 13 December 2010)
- Tyner JA (2009). War, Violence, and Population: Making the Body Count. New York: The Guilford Press.
- Waltz, Kenneth N. (1979). Theory of International Politics, new York. Mcgraw-hill publishing company.
- Walzer, M. (2000). Just and Unjust Wars: A Moral Argument with Historical Illustrations, 3rd edn, New York: Basic Books .
- Walzer, M. (2004). Arguing about War, New Haven, CT /London: Yale University Press.